

متن پرسش

سلام استاد عزیز: در تفسیر المیزان در ذیل آیات مربوط به سوره توبه جناب علامه (ره) می فرمایند: «روایاتی که پیرامون تفسیر آیات است اگر واحد باشند حجیت ندارند، مگر اینکه با مضمون آیات موافق باشد، که در این صورت بقدر موافقتشان با مضامین آیات حجیت دارند، و این خود در فن اصول، حلاجی شده است، سرش هم این است که حجیت شرعی دائر مدار آثار شرعیه ای است که بر آن حجت مترتب می شود، و وقتی چنین شد قهرا حجیت روایات منحصر می شود در احکام شرعی و بس. و اما آنچه روایت در باره غیر احکام شرعی از قبیل داستانها و تفسیر وارد شده و هیچ حکم شرعی را در آن متعرض نشده بهیچ وجه حجیت شرعی نخواهد داشت. و همچنین است حجیت عقلی یعنی عقلائی، زیرا بعد از آنهمه دسیسه و جعلی که در اخبار و مخصوصا اخبار تفسیر و قصص سراغ داریم و خود المنار هم به آن اعتراف کرده و از احمد نقل کرده که گفته است: این روایات اصلی ندارند دیگر عقلا کجا و چگونه به آن اخبار و صحت متن آنها اعتماد می کنند؟ پس در نزد عقلا هم حجیت ندارد، مگر آن روایتی که متنش با ظواهر آیات کریمه موافق باشد. پس کسی که متعرض بحث روایات غیر فقهی می شود در درجه اول باید از موافقت و مخالفتش با کتاب بحث کند، آنگاه اگر دید روایتی با ظاهر کتاب موافق است آن را اخذ کند و گر نه طرح و طرد کند. پس، ملاک اعتبار روایت تنها و تنها موافقت کتاب است، و اگر موافق با کتاب نبود هر چند سندش صحیح باشد معتبر نیست و نباید فریب صحت سندش را خورد. پس، اینکه می بینیم بسیاری از مفسرین عادت کرده اند بر اینکه بدون بحث از موافقت و مخالفت کتاب، سند روایت را مورد رسیدگی قرار داده و بصرف سند حکم می کنند به اعتبار روایت، آنگاه مدلول آن را بر کتاب خدا تحمیل نموده و کتاب خدا را تابع و فرع روایت می شمارند روش صحیحی نیست، و هیچ دلیلی بر صحت آن نداریم. تازه نامبردگان در روایتی که جنبه قرینه دارد بحث سند را هم پیش نمی آورند. ببخشید استاد برداشت بنده درست است: ۱. اگر روایتی واحد باشد اما درباب احکام شرعی باشد و سند آن صحیح باشد حجیت عقلی و شرعی دارد. ۲. اما اگر روایتی واحد باشد و در غیر احکام شرعی (مثلا تفسیر آیات و یا شأن نزول آیات) باشد حتی اگر سند آن هم صحیح باشد، حجیت شرعی و عقلی ندارد مگر اینکه با آیات قرآن منطبق باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. از آنجایی که در حدیث ثقلین «کتاب الله و عترت» را برای ما حجت قرار داده‌اند، اگر مطلبی را قرآن متعرض نشده و امام معصوم متذکر شده‌اند، برای ما حجت است. ۲. این

حرف درستی است زیرا در این مورد ملاک قرآن است. موفق باشید